



## نگرش عشایر به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه عشایر منطقه دریلا در شهرستان گچساران

خداعفو راشد نسب<sup>۱</sup>، مصطفی احمدوند<sup>۲\*</sup>، مریم شریفزاده<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج

۲. دانشیار ترویج و توسعه کشاورزی، دانشگاه یاسوج

۳. استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه یاسوج

پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۵

دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۷

## Nomads' Attitude towards Drought and its Determinants: The Case of Nomad Region of Derila, Gachsaran County

Kh. Rashednasab<sup>1</sup>, M. Ahmadvand<sup>2\*</sup>, M. Sharifzadeh<sup>3</sup>

1. M.Sc. of Rural Development, Yasouj University.

2. Associate Professor of Agricultural Extension and Development, Yasouj University.

3. Assistant Professor of Agricultural Extension and Education.

Received: 2017/6/17

Accepted: 2017/8/6

### Abstract

Reviewing drought literature among nomads revealed that, nomads' copings mechanisms towards drought are affected by their attitude and perception of drought. Therefore, this survey study aims at investigating nomads' attitude towards drought and analyzing its contributing factors. The main data gathering device was researcher made questionnaires which were fulfilled by face to face interviews conducted among 200 nomad households living at Derila region, Gachsaran County as the study population. Bartlett's table was used to determine statistical sample size and 132 households were selected based on randomly quota sampling procedures. Face validity of questionnaires was confirmed by panel of experts and its internal consistency was further assessed and confirmed by using Chronbach's alpha coefficient growing out of a pilot study (0.61-0.73). Results revealed that nomads held negative attitude toward drought and viewed it as a destroyer and at the same time as controllable phenomenon. Path analysis results showed that the most contribution to nomads' attitude was belonged to awareness towards drought by making direct and positive effect. Similar relations were also observed for number of livestock and household size factors, whereas the grazing capacity license and subjective norms had statistically negative direct effect on attitude towards drought. Finally, the practical suggestions were focused on public investment in order to present and improve farm based extension programs.

### Keywords

Nomad development, Drought, Coping strategies, Attitude, Derila region.

### چکیده

مرور مطالعات خشکسالی در جامعه عشایری نشان می‌دهد رفتار عشایر در مواجهه با خشکسالی تحت تأثیر نگرش آنها به این پدیده است. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال بررسی نگرش عشایر به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و شناسایی سازه‌های مؤثر بر آن بود که از روش کمی پیمایش استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود که جامعه آماری آن را عشایر منطقه دریلا (۲۰۰ خانوار) در شهرستان گچساران تشکیل دادند. حجم نمونه مورد پژوهش بر اساس جدول بارتلت و همکاران، ۱۳۲ خانوار تعیین و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده با انتساب متناسب توزیع شد. روایی پرسش‌نامه با به‌کارگیری پانلی از متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز با انجام مطالعه‌ای راهنما در خارج از جامعه آماری و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۳ - ۰/۶۱) تأیید شد. یافته‌ها نشان داد، نگرش عشایر نسبت به خشکسالی منفی است. آنها خشکسالی را پدیده‌ای ویرانگر، لیکن قابل کنترل ارزیابی نموده‌اند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد، متغیر آگاهی نسبت به خشکسالی، بیشترین اثر مستقیم معنی‌دار و مثبت را بر نگرش عشایر نسبت به خشکسالی داشت. وضعیت مشابهی نیز برای متغیرهای تعداد دام و تعداد افراد خانوار مشاهده شد. این در حالی است که متغیرهای ظرفیت پروانه چرا و هنجار ذهنی هر دو اثر معنادار مستقیم لیکن منفی بر نگرش نسبت به خشکسالی داشتند. در پایان بر اساس یافته‌های پژوهش، سرمایه‌گذاری‌های حمایتی دولت با هدف گسترش فعالیت‌های مزرعه‌محور توصیه می‌گردد.

### واژه‌های کلیدی

توسعه عشایر، خشکسالی، راهبردهای مقبله، نگرش، عشایر دریلا.

## مقدمه

خشکسالی از جمله قدیمی‌ترین بلایای طبیعی است که پروردگار متعال در کتاب آسمانی‌اش (قران کریم، سوره یوسف، آیه‌های ۴۳ تا ۴۹) بشر را از وقوع این رویداد با تعبیر خواب پادشاه مصر توسط حضرت یوسف (ع) بشارت داده است. فزون بر این، وجود مراسم و سنت‌های خاص در میان اقوام مختلف نظیر نواختن طبل‌ها، سرودن تصنیف‌های گوناگون، دعا و نیایش با خدای متعال حکایت از سنت‌های مرسوم ایران زمین در شرایط خشکسالی دارد. خشکسالی به همراه پدیده‌هایی مانند زلزله، آتشفشان، سیلاب و لغزش از خطرات و تهدیدات زیست‌محیطی محسوب می‌گردد که در اثر عوامل هیدرواقليمی طی یک یا چندین سال آبی رخ می‌دهد. تعاریف متفاوت و گوناگونی از خشکسالی ارائه گردیده که عمده آنها کاهش غیر مترقبه بارش در یک منطقه است (Rahimi et al., 2010). در مجموع دو تعریف اساسی برای خشکسالی در نظر گرفته شده است؛ در تعریف نخست که بیشتر عمومی است و ادراک افراد از این پدیده مد نظر قرار گرفته، خشکسالی پدیده طولانی کمبود بارش است و در نهایت منجر به کاهش شدید عملکرد محصول می‌شود. اما تعریف عملیاتی خشکسالی، در شناسایی و تشخیص زمان شروع، پایان، شدت و جدی بودن این پدیده به افراد کمک می‌کند (NDMC, 2003). خشکسالی یک عارضه آب و هوایی است که علل وقوع و استمرار آن را در درجه اول بایستی در بی‌نظمی سامانه‌های عادی سینوپتیک جوی که عمدتاً در کنترل عوامل نجومی و فرا سیاره‌ای قرار دارند، جستجو نمود. به هر حال میزان بارندگی مهم-ترین عاملی است که در ایجاد، گسترش و دوام خشکسالی‌ها سهیم می‌باشد و پس از آن عناصر اقلیمی دیگری مانند تبخیر و تعرق می‌تواند بیانگر وقوع خشکسالی در هر منطقه باشد. به موازات عوامل و فرایندهای طبیعی، انسان نیز از چند دهه قبل به شدت سرگرم تأمین نیازهای فزاینده جمعیت خود بوده و با فشار بیش از حد به محیط و بهره‌کشی از منابع زیست‌بوم، به‌ویژه اتلاف آب، تخریب پوشش گیاهی و توسعه کشت دیم به اراضی حاشیه‌های کم استعداد و ناپایدار، احتمال وقوع و شدت اثر خشکسالی را بالا برده است (Samadi, Brojeni, and Ebrahimi 2010).

در این میان، جوامع عشایری از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که بیش از دیگران در خشکسالی‌ها دچار مشکل و خسران می‌شوند. رشد ناکافی گونه‌های مرتعی ناشی از توزیع نامناسب زمان بارش و همچنین متغیر بودن زمان و نوع بارش، برف یا باران، همچنین دام مازاد بر ظرفیت پروانه چرا که خود ناشی از

نبود زیرساخت‌ها در کاهش وابستگی عشایر به مراتع است، منجر به این گردیده که در مواقع خشکسالی، بستر تولید و اشتغال جامعه عشایری با خطر جدی روبرو شود. از سویی، وابستگی بیش از حد عشایر به منابع طبیعی باعث شده در مواقع خشکسالی که در پی آن ذخیره نزولات آسمانی، آبدهی چشمه‌ها، روان‌آب‌ها، گرداب‌ها و حتی رشد گیاهان مرتعی کاهش چشم‌گیری می‌یابند، زندگی آنها به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. منطقه گچساران یکی از مناطق عشایری است که بیش از ۳۵۰ هزار رأس دام را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که بر اساس اظهارات مدیران امور دام استان کهگیلویه و بویراحمد، برخی از مناطق این استان از جمله دریا با کمبود آب شدید مواجه است و بیش از ۴۰ درصد از چشمه‌سارهای آن خشک شده‌اند. این امر موجب شده عشایر این منطقه با کمبود شدید علوفه و آب مواجه شده و کوچ زودرس را در پیش گیرند (ISNA, 2017).

منطقه عشایری دریا در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان گچساران قرار دارد. میانگین دراز مدت بارندگی ۴۹ ساله (۱۳۹۵-۱۳۴۶) این منطقه ۳۷۱/۶ میلی‌متر می‌باشد. طول دوره مرطوب آن پنج ماه است که تقریباً از اواسط آبان ماه تا اواسط فروردین ادامه دارد و مابقی سال به مدت هفت ماه در دوره خشک واقع گردیده که نشان از گرم و خشک بودن این منطقه دارد. بررسی گزارش‌های هواشناسی شهرستان گچساران طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۳ با استفاده از سه شاخص SPI, EDI, RDI نیز نشان داده است که این شهرستان در معرض خشکسالی شدید قرار دارد (MOKB, 2015). بر همین اساس، عدم رشد مطلوب گونه‌های مرتعی، خشک شدن رودخانه‌های فصلی و دائمی و کمبود آب ناشی از خشکسالی، یکی از سکونتگاه‌های مهم عشایری (دریا) را که اقتصاد آنها متکی به پرورش دام وابسته به مرتع است با چالش‌ها و مشکلات فراوانی روبرو ساخته است. این مشکلات و چالش‌ها شامل: ۱. مشکل تأمین آب شرب و دام آن‌ها و افزایش تقاضا از سوی عشایر برای آبرسانی با تانکر سیار و جیره‌بندی از سوی اداره امور عشایر، ۲. مشکل تأمین علوفه و تحمل هزینه زیاد برای خرید علوفه، ۳. فروش اجباری بخشی از دام مولد و بره‌های کم وزن بدلیل نبود نقدینگی با قیمت ارزان، ۴. افزایش تنش‌های اجتماعی و ایلی بر سر موضوعات آب و مرتع، ۵. عرضه انبوه دام به بازار و افت قیمت دام، ۶. ترک زندگی عشایری و کاهش جمعیت دامی به‌طوری‌که با مقایسه نتایج سرشماری‌های عشایر این منطقه مشخص گردیده در نتیجه خشکسالی‌های پی در پی، جمعیت ۶۵۰ خانواری به ۲۰۰ خانوار و میانگین جمعیت ۱۱۸ رأسی دام هر خانوار عشایر به ۷۸ رأس رسیده است (Statistical Center of Iran, 2016)، ۷.

(Bem, 1972)، تحت برخی شرایط مردم نمی‌دانند چه احساسی دارند مگر آنکه ببینند چگونه رفتار می‌کنند. جنبه‌های رفتاری نگرش به هدف‌ها مربوط می‌شود، یعنی اعمالی که در برابر یک موضوع نشان داده می‌شود (Bedard et al., 2010). به عبارتی، بُعد رفتاری آن به نیت "رفتار به صورت معین" بر می‌گردد (Rezaian, 2010). به عنوان مثال سیاه چادر (بهون) عشایر، دیگر عشایر را تشویق به عملیات آبخیزداری و احیاء مراتع برای مقابله با خشکسالی می‌کنند. به‌طور کلی از سه بُعد نگرش این‌طور برداشت می‌شود که نگرش به بُعد عاطفی انسان مربوط می‌گردد و هر شخص، دو بُعد دیگر را نیز دارد. بُعد شناختی بیشتر از طریق باورهای شخص به یک موضوع آشکار می‌شود. می‌توان به این باورها ویژگی‌هایی را نسبت داد. اگر باور مورد ارزیابی قرار گیرد، در این صورت از باور ارزشی صحبت خواهد شد. اعتقاد بر این است که باورها سه ریشه اصلی دارند؛ تجربه شخصی، اطلاعات حاصل از دیگران (تعامل اجتماعی) و استنتاج. حتی ممکن است باورها، محصول همزمان این سه منبع باشند (Bedard et al., 2010). به عنوان مثال، وقتی عشایر پدیده خشکسالی را خوب توصیف نماید، بدین مفهوم است که به‌صورت متمادی با آن درگیر بوده (تجربه شخصی). همچنین، خشکسالی به این علت خوب توصیف شده که گروه‌های مرجع نظیر افراد مورد اعتماد او، معتمدین، همسایگان و افراد صاحب نفوذ طایفه خشکسالی را این‌گونه بیان نموده و یا اینکه از طریق بولتن‌های ترویجی و کلاس‌های آموزشی یا از طریق رسانه‌های ارتباطی نظیر رادیو و تلویزیون در مورد آسیب‌های خشکسالی مطالب زیادی نشر شده باشد. در این حالت باور شخص، بر اطلاعات حاصل از دیگران استوار گردیده است. بالاخره باور وی محصول استنتاج است، چون پدیده خشکسالی با شرایط طبیعی متفاوت بوده و آثاری بر جای می‌نهد.

زمانی و همکاران (2010) در مطالعه‌ای بین کشاورزان استان فارس درباره پدیده خشکسالی به این نتیجه دست‌یافته‌اند که آنان در مواجهه با پدیده خشکسالی سه نوع نگرش دارند: ۱. نگرش تهدیدزا که خشکسالی را خطر به هدر دادن منابع خویش می‌دانند، ۲. نگرش آسیب‌زا، به‌طوری‌که خشکسالی را به‌عنوان عاملی برای از دست دادن منابع خود می‌دانند و ۳. نگرش چالش‌زا، که خشکسالی را عاملی برای به حداکثر رساندن و ازدیاد منابع خود می‌دانند. از این سه نوع نگرش به ترتیب نگرش تهدیدزا و آسیب‌زا در بالاترین اولویت قرار داشتند. فزون بر آن، یزدان‌پناه (Yazdanpanah, 2012) در پژوهشی در زمینه تعیین‌کننده‌های هنجار و نگرش نسبت به مدیریت خشکسالی در استان

کاهش شدید افت لاشه از ۱۵ به ۱۱ کیلوگرم و گاهی هم کمتر، ۸. کوچ زود هنگام و بازماندن فرزندان عشایر از آموزش و ۹. شیوع بیماری‌های دامی و انسانی و تلفات دامی بیش از ۷ درصد است.

برای شناخت این پدیده، عوامل تبیین‌کننده کاهش آسیب‌پذیری که عبارتند از: ۱. عوامل تأثیرگذار بر وقوع پدیده خشکسالی، ۲. عوامل زمینه‌ای، ۳. عوامل جهت‌دهنده به آسیب‌پذیری و ۴. سطوح کنترل و پیامدها را باید شناخت (Fatemi, & Karami, 2011). مروری بر مطالعات گذشته نشان می‌دهد که وقوع خشکسالی به‌شدت نگرش افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این بدان مفهوم است که انتخاب سازوکارهای مقابله توسط عشایر، تحت تأثیر ادراکات فردی آنان از میزان ریسک ناشی از وقوع خشکسالی است. از این‌رو، به‌دلیل اهمیت نگرش در زندگی افراد، برخی از صاحب‌نظران آن را یکی از موضوعات اصلی علم روان‌شناسی دانسته و روان‌شناسی را علم مطالعه نگرش‌های افراد تعریف می‌کنند. از این‌رو، مطالعه نگرش برای درک رفتار اجتماعی حیاتی است. بخش دیگر اهمیت مبتنی بر این است که نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتار هستند (Karimi, 2013). این فرض به‌طور تلویحی به ما می‌فهماند که با تغییر نگرش‌های افراد می‌توان رفتارهای آنها را تغییر داد. از فواید دیگر نگرش‌ها این است که با افزایش نگرش‌های شخصی در مورد اشیاء، نیاز او به تفکر و اخذ تصمیم‌های تازه کم می‌شود و در واقع رفتار شخص نسبت به آن چیزها عادی، قالبی، مشخص و قابل پیش‌بینی و در نتیجه زندگی اجتماعی او آسان می‌شود (Kretch et al., 1995). مطالعات مختلف، ساختار نگرش را به صورت زیر بیان کرده‌اند:

الف) ساختار تک مؤلفه‌ای: شامل مؤلفه‌های عاطفی یا احساسی (Hassad, 2007) یا شناختی (Fishbein & Ajzen, 1975).

ب) ساختار دو مؤلفه‌ای: شامل مؤلفه‌های عاطفی و شناختی (Trafimow & Sheeran, 1998).

ج) ساختار سه مؤلفه‌ای: شامل مؤلفه‌های عاطفی، شناختی و تمایل رفتاری (Breckler, 1984; Resenberg & Hovland, 1960; Saadi & Jalilian, 2017).

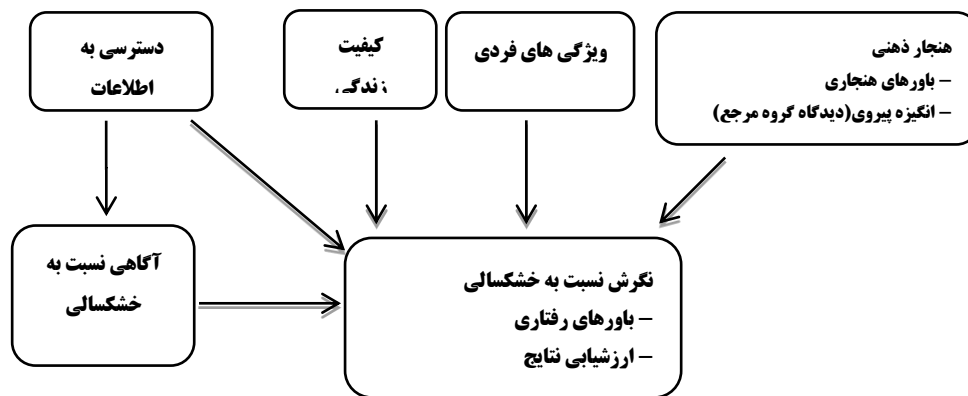
روان‌شناسان اجتماعی در دهه‌های اخیر توجه خود را به این نکته معطوف کرده‌اند که نگرش‌ها چگونه به‌وسیله تجربه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری افراد ایجاد می‌شوند. یافته‌های اخیر حاکی از تفاوت تأثیر و اهمیت سه عنصر (شناختی، عاطفی و رفتاری) در شکل‌دهی نگرش‌ها است (Karimi, 2000). نگرش مبتنی بر رفتار عبارت است از مشاهده چگونگی رفتار فرد نسبت به موضوع نگرش. طبق نظریه «ادراک خویشتن» بم

## راشد نسب و همکاران، نگرش عشایر به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و عوامل مؤثر بر آن: مورد...

رفاه اجتماعی، افسردگی، اعتماد به نفس، تحصیلات، سلامتی، مهاجرت و بیکاری گردد. در مطالعه دیگری یوسفی‌حاجیوند (2012) به شناسایی عوامل مؤثر بر دانش، نگرش و رفتار خانوارهای روستایی در زمینه تنوع زیستی کشاورزان در حوزه تالاب شادگان استان خوزستان پرداخته است. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان در گروه‌های دارای دانش پایین، نگرش و نیت منفی و رفتار مسئولانه نسبت به تنوع زیستی کشاورزی قرار داشته‌اند. فزون بر آن، تعداد دفعات حضور در دوره‌های آموزشی - ترویجی، سابقه‌ی سکونت در منطقه، تعداد اعضای خانوار بیشترین تأثیر بر دانش خشکسالی داشته‌اند. همچنین دانش بیشترین تأثیر بر نگرش و متغیرهای دانش و فاصله محل زندگی از تالاب بیشترین تأثیر بر رفتار مدیریت خشکسالی را دارا بوده‌اند. یعقوبی و همکاران (Yaghoobi et al., 2016) در مطالعه‌ای به سنجش نگرش کشاورزان حوزه آبخیز زنجانرود نسبت به خشکسالی و مدیریت این پدیده پرداخته‌اند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که کشاورزان مورد مطالعه بر این باور بودند که خشکسالی مصلحت‌خاوندی است و مدیریت این پدیده به قضا و قدر بیش از روش عقلایی وابسته است. آنان اعتقاد چندانی بر امکان کاهش آثار خشکسالی از طریق به-کارگیری رویه‌های مدیریت خشکسالی نداشته‌اند. در این مطالعه بین سن افراد با نگرش به خشکسالی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشته است. این در حالی است که رابطه بین تحصیلات و درآمد با نگرش به خشکسالی به صورت مثبت و معنی‌داری بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که دو متغیر درآمد و سن افراد مورد مطالعه، ۲۴/۸ درصد از تغییرات نگرش نسبت به خشکسالی و مدیریت آن را تبیین نموده‌است. با مروری بر پیشینه‌نگاشته‌های تحقیق چنین استنباط می‌گردد که تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده پرکاربردترین تئوری در مطالعات رفتارشناسی و نگرش‌سنجی است. از این رو، در این پژوهش نیز این تئوری مبنای بررسی نگرش عشایر به خشکسالی قرار گرفته- است (شکل ۱) که فرضیه آن به صورت کلی عبارت است از: متغیرهای دسترسی به منابع اطلاعاتی، ویژگی‌های فردی، هنجار ذهنی، آگاهی نسبت به خشکسالی، و کیفیت زندگی تأثیر معناداری بر نگرش عشایر به خشکسالی دارند. بر همین اساس، اهداف این پژوهش مطابق چارچوب مفهومی (شکل ۱) عبارتند از: ۱- واکاوی نگرش عشایر نسبت به خشکسالی ۲- تحلیل مسیر سازه‌های مؤثر بر نگرش.

بوشهر آورده است که کارشناسان نگرش و دانش مطلوبی نسبت به مدیریت خشکسالی ندارند. از سویی، مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی-کننده هنجار اخلاقی نسبت به مدیریت خشکسالی درک امکان-پذیری بوده است. همچنین متغیرهای دانش، درک امکان‌پذیری و نگرش نسبت به مدیریت خشکسالی می‌توانند حدود ۶۷ درصد از واریانس مدیریت خشکسالی را پیش‌بینی نمایند. حیاتی و همکاران (Hayati et al., 2010)، در جستاری درباره کشاورزان فقیر جنوب ایران با هدف بررسی راهبردهای مناطق روستایی و ارزیابی تأثیر مداخلات دولتی بر کاهش نتایج خشکسالی خاطر نشان کرده‌اند که نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به‌جای آنکه یک نگرش طبیعی- محیطی باشد، یک نگرش ماوراء طبیعی است. در این پژوهش کشاورزان نه‌تنها به‌دلیل عقاید و نگرش آنان بلکه به دلیل شرایط اقتصادی- اجتماعی ضعیف آنان را تحت تأثیر قرار داده و بیشتر حمایت‌ها و مداخلات دولتی بر تولیدهای کلان متمرکز گردیده است. بنابراین، بی‌توجهی به قشر خرده‌پا باعث گردیده روز به روز این قشر ضعیف‌تر گردد. مطالعه کرمی و همکاران (Karami et al., 2006)، کشاورز و همکاران (Keshavarz et al., 2010) و چالشگر (Chaleshgar, 2010) پیرامون نگرش کشاورزان در زمینه خشکسالی از بُعد اثرات اجتماعی و نگرش قابلیت کنترل آن حاکی است که کشاورزان خشکسالی را یک پدیده ویرانگر قلمداد نموده‌اند و نگرش آنها نسبت به پیامدهای اجتماعی منفی بوده به‌طوری‌که اثرهای اجتماعی ناشی از این پدیده عبارتند از: ۱. ایجاد فشار روانی بر کشاورز و خانواده، ۲. بروز مشکلات معیشتی در تأمین نیازهای خانوار، ۳. کاهش مشارکت در روابط و فعالیت‌های اجتماعی و ۴. بیکاری، کاهش میزان تولید و میزان درآمد.

اشرف و روترای (2013) در مطالعه خود با عنوان درک و فهم از خشکسالی و راهبردهای چگونگی فائق آمدن خانوارهای کشاورزان در بلوچستان پاکستان آورده است که درک کشاورزان از موضوع خشکسالی با عقاید مذهبی‌شان مرتبط بوده و این پدیده یک رخداد معمولی است. در پژوهشی دیگر یزدان‌پناه و منفرد (2013)، به بررسی تأثیرات درون محور ناشی از خشکسالی در جمعیت‌های روستایی پرداخته است. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که خشکسالی می‌تواند منجر به ایجاد موجی از تأثیرات منفی بر سرمایه اجتماعی، مشارکت، اشتغال، همبستگی، کیفیت زندگی،



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

۲۰۰ خانوار عشایری (با جمعیت ۱۰۳۰ نفر) منطقه‌ی دریلا و حومه بود (Statistical Center of Iran, 2016). حجم نمونه مورد پژوهش بر اساس جدول نمونه‌گیری بارتلت و همکاران (Bartlett et al., 2001)، ۱۳۲ خانوار برآورد گردید که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای در بین جامعه آماری توزیع گردید (جدول ۱).

به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش در این منطقه از مطالعه‌ای کاربردی به روش پیمایشی مقطعی استفاده شد. داده‌ها عمدتاً به روش مصاحبه رو در رو با عشایر با استفاده از پرسش‌نامه ساختارمند گردآوری شدند. حوزه مورد مطالعه این پژوهش منطقه عشایری دریلا در فاصله حدود ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان گچساران قرار دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل

جدول ۱. جامعه و نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر

ردیف	منطقه	طایفه	تیره	خانوار	جمعیت	نمونه
۱	دریلا خالصه و حومه سدخاکی - کوه دین - بون بلند	نگین تاجی	حاجتی	۶۰	۳۰۰	۴۰
۲	آبکل، تاوه شیشه، لیستر، گچ عوض	نگین تاجی	اولاد نبی	۳۰	۱۷۵	۲۰
۳	آبگندی	قشقایی	دره شوری و لک	۳۰	۱۷۰	۲۰
۴	دریلا تل قوچی - بمب زده - قره گل - محدوده چاه نصر - کمزردی - ماشین سوخته - تاوه احمدخانی	آقایی	گنجه ای - بختیاری - آقایی	۵۰	۲۵۵	۳۲
۵	دریلا چک بزپا	قشقایی	عرب لو - نره ای	۳۰	۱۳۰	۲۰
				۲۰۰	۱۰۳۰	۱۳۲
<b>جمع</b>						

آن جنبه‌هایی نظیر تأثیر این پدیده در ایجاد فشار روانی، به مخاطره انداختن سلامتی اعضای خانوار، تغذیه نامناسب خانوار، کاهش درآمد، کاهش مشارکت و روابط اجتماعی در بین خانوارها، ایجاد تنش و دعوا در بین عشایر و عدم برخورداری از حمایت نهادها و سازمان‌ها مورد سنجش قرار گرفت. همچنین نگرش به قابلیت کنترل خشکسالی نیز در قالب هفت گویه در زمینه تلاش عشایر برای مقابله با خشکسالی، توان مقابله عشایر با خشکسالی، ظرفیت یادگیری راه‌های مقابله توسط عشایر و کنترل‌پذیر یا

ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود که روایی محتوایی آن از طریق پانلی از متخصصان دانشگاهی و اجرایی تأیید شد. به‌منظور آزمون پایایی پرسش‌نامه، یک مطالعه راهنما خارج از نمونه مورد مطالعه ترتیب داده شد و بر اساس نتایج مطالعه راهنما، پرسش‌نامه، مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت. جدول ۲ نشان دهنده ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مختلف تحقیق می‌باشد. فزون بر آن، نگرش عشایر نسبت به خشکسالی در بُعد پیامدهای اجتماعی در قالب دوازده گویه که در

## راشد نسب و همکاران، نگرش عشایر به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و عوامل مؤثر بر آن: مورد...

راهکارهای مقابله با این پدیده، دلیل بروز خشکسالی و اهمیت آن در زندگی عشایر در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

کنترل ناپذیر بودن خشکسالی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار خواهد گرفت. متغیر آگاهی به خشکسالی یا میزان آشنایی فرد با ویژگی‌های این پدیده نیز در قالب چهار زمان وقوع این پدیده،

جدول ۲. ضریب آلفای کرونیخ متغیرهای پژوهش

متغیر	مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفا
نگرش به خشکسالی	نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی	۱۲	۰/۷۳
در دو بعد	نگرش قابلیت کنترل خشکسالی	۷	۰/۷۲
آگاهی به خشکسالی		۲۰	۰/۶۱

## یافته‌های پژوهش

### الف) ویژگی‌های عشایر مورد مطالعه

تعداد دام عشایر مورد مطالعه ۱۵۲/۱۲ رأس با انحراف معیار ۸۵/۳۰ می‌باشد. فزون بر آن، میانگین سابقه دامداری ۳۷/۱۷ سال با انحراف معیار ۱۶/۹۶ که حاکی از شغل اصلی دامداری و تجربه بالا در این حرفه می‌باشد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی عشایر مورد مطالعه در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، میانگین سنی عشایر مورد مطالعه ۵۰ سال با انحراف معیار ۱۴/۴۲ بوده که اکثریت عشایر مورد مطالعه میان‌سال بودند. همچنین میانگین

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

ویژگی	میانگین	انحراف معیار
سن (سال)	۵۰	۱۴/۴۲
تعداد اعضای خانواده (نفر)	۵/۶	۲/۰۸
تعداد دام (رأس)	۱۵۲/۱۲	۸۵/۳۰
سابقه دامداری (سال)	۳۷/۱۷	۱۶/۹۶
ظرفیت پروانه چرا (رأس)	۱۳۶/۱۵	۸۰/۶۵

۱۵/۵ درصد فوق‌دیپلم و در نهایت ۷ نفر یا به عبارتی ۵/۳ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که ۴۱/۷ درصد از سرپرستان خانوارها بدون سطح تحصیلات و ۵۰ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی بوده‌اند که نشان از این است سطح تحصیلات سرپرستان خانوار عشایر مورد مطالعه در حد پایینی قرار دارد.

### ب) نگرش عشایر نسبت به پیامدهای خشکسالی

نگرش اجتماعی عشایر به‌گونه‌ی ضمنی، تبیین‌کننده برخی اثرها و تبعات ناشی از وقوع خشکسالی است. بروز شوک‌ها و تنش‌های محیطی می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از ادراکات خاص در زمینه بحران خشکسالی و نظایر آن باشد. با مرور اجمالی بر یافته‌ها مشخص گردیده که از مجموع ۱۳۲ عشایر مورد مطالعه، ۱۲ نفر (۹۲/۶ درصد) ارزیابی نامناسبی از وقوع پدیده خشکسالی

کمترین دام نگهداری شده توسط عشایر مورد مطالعه ۲۵ رأس و بیشترین آن ۴۰۰ رأس بود. دامنه سابقه دامپروری ۷۸ سال است که نشان می‌دهد تفاوت بین پیشینه و کمینه سابقه بسیار زیاد است. علاوه بر آن، یافته‌ها حاکی از آن بود که میانگین میزان زمین زراعی عشایر مورد مطالعه ۱/۰۸ هکتار با انحراف معیار ۰/۳۲ هکتار می‌باشد. همچنین میانگین سابقه کشاورزی عشایر مورد مطالعه ۱/۶۸ سال با انحراف معیار ۰/۸۶ بود. مرور اجمالی یافته‌ها نشان از متکی بودن عشایر مورد مطالعه به شغل دامداری با سابقه نگهداری چندین ساله است.

برای سطح تحصیلات سرپرستان خانوار عشایر مورد مطالعه، مقاطع تحصیلی مورد سنجش قرار گرفت. از مجموع ۱۳۲ پاسخ‌دهنده، ۵۵ نفر به‌عبارتی ۴۱/۷ درصد بدون تحصیلات، ۲۸ نفر یعنی ۲۱/۲ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۳ نفر یا ۱۷/۴ درصد راهنمایی، ۱۷ نفر یعنی ۱۲/۹ درصد متوسطه، ۲ نفر به‌عبارتی

موارد اشاره کرد: ۱. به مخاطره افتادن سلامتی اعضای خانواده، ۲. درآمد ناکافی و عدم تغذیه مناسب، ۳. از دست دادن جا و مکان و متفرق شدن از همدیگر، ۴. کاهش سطح روابط اجتماعی، و مشارکت آنان در فعالیتهای اجتماعی، ۵. مقاوم شدن خانواده‌ها در مقابل سختی‌ها و ۶. عدم برخورداری از خدمات حمایتی سازمان‌ها و نهادها. مطابق یافته‌های جدول ۴ پس از محاسبه ضریب تغییرات، مهم‌ترین ارزیابی عشایر مورد مطالعه از بین اثر اجتماعی پدیده خشکسالی متعلق به افزایش تنش و دعوا در بین خانوارها بود به طوری که آنان بر این باور بودند که دعوا و تنش حاصل از پدیده خشکسالی زمانی رخ می‌دهد که منابع محدودی نظیر آب و کمبود علوفه در مراتع وجود داشته باشد. آنان به فشار روانی ناشی از وقوع خشکسالی تأکید داشته‌اند و بر این باور بودند که فشار فزاینده ناشی از وقوع خشکسالی به‌ویژه هنگامی که از دست دادن شغل در کنار هزینه‌های سرسام آور زندگی سبب گردد، قدرت تحمل عشایر کاهش می‌یابد و به همین دلیل، با ایجاد کوچکترین اختلال و یا مشکل، زمینه دامن‌زدن به تنش فراهم می‌شود. همچنین عشایر مورد مطالعه نقش خشکسالی را در ایجاد فشار روحی و روانی بر خود و خانواده به عنوان دومین عامل تنش‌زا قلمداد نموده و اظهار می‌کردند که سال‌های طولانی و سخت خشک سبب شده است که فشارهای فراوانی بر آنان وارد شود به گونه‌ای که تحمل هیچ‌گونه نامالایمات دیگری را در زندگی خود ندارند و بروز مسادل و مشکلات مالی ناشی از وقوع بحران خشکسالی باعث گردیده که آنان نتوانند به شیوه‌ای معقول برای یافتن راهکار مناسب برای اداره زندگی و گذراندن دوره سخت خشکسالی بیندیشند. این امر موجب ایجاد فشار روحی و روانی بر خانواده و سخت شدن این دوره شده است.

بر اساس ضریب تغییرات بدست آمده در جدول ۴ مشخص گردید که گویه متفرق شدن خانوارهای عشایری در اولویت سوم قرار دارد به طوری که عشایر بر این باور بودند که در زمان وقوع خشکسالی، عشایر به دلیل از دست ندادن شغل خود، حفظ دامداری و همچنین امنیت معیشت خانواده خود مجبور به کوچ به مرتع دیگر و یا مهاجرت به روستا و شهر برای پیدا کردن شغل دیگری باشند که این منجر به فروپاشی نظام ایلی و از بین رفتن همبستگی اجتماعی و روابط مستحکم عشیره‌ای می‌گردد.

داشتند. به عبارتی، آنان بر این باور بودند که پیامدهای اجتماعی ناشی از خشکسالی باعث استرس و فشار روانی مضاعف بر خود و خانواده‌شان شده و همچنین باعث از دست دادن شغل و درآمد ناکافی است و که خود منجر به تغذیه نامناسب و در پی آن بروز بیماری‌ها و آفات‌ها گردیده است. به طوری که در اثر وقوع خشکسالی نظام ایلی و عشیره‌ای بر اثر مهاجرت از هم پاشیده و آن روحیه مشارکت و همکاری دسته‌جمعی از بین رفته است. نتایج این یافته با یافته‌های ون هافتن و ون دایجور (Van Haften & Van/De Vijver, 1999) که بر این باور بودند که وقوع بحران‌های زیست‌محیطی منجر به افزایش مهاجرت در میان مردم مناطق گردیده همخوانی دارد. فزون بر آن، ۷۹ نفر (۵۹/۸ درصد) از مجموع ۱۳۲ عشایر مورد مطالعه انتظارشان بر این بود که در زمان وقوع خشکسالی از حمایت‌های نهادها و سازمان‌ها و استمهال تسهیلات سال‌های گذشته بهره‌مند شوند. با این وجود، آنها از این نوع حمایت‌ها برخوردار نگردیدند. به طور کلی نتایج حاکی از آن است که عشایر ارزیابی مثبتی از وقوع خشکسالی نداشته‌اند و وقوع این پدیده موجب سختی‌ها و رنج‌های فراوانی برای خود و اعضای خانواده‌شان گردیده و خشکسالی را به عنوان پدیده تخریب‌گر و ویران‌کننده دانسته‌اند که چارچوب مناسبات اجتماعی آنان را بر هم زده است. عشایر مورد مطالعه، خشکسالی را به منزله شوکی ناگهانی می‌دانند که شیرازه زندگی آنان را از هم پاشیده و موجب شده است که تحمل فشارهای محیطی برای آنان دشوار و به خاطر عمق تخریب این پدیده نتوانند از همبستگی اجتماعی مناسب درونی برخوردار باشند. بر اساس نتایج این بررسی، میانگین نگرش عشایر مورد مطالعه به خشکسالی ۳/۷ در مقیاس لیکرت بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کرمی و همکاران (Karami et al., 2006) همخوانی دارد.

همان‌گونه که در جدول ۴ نشان داده شده است، عشایر مورد مطالعه نقش خشکسالی در ایجاد فشارهای روانی و روحی بر خانواده‌شان را در حد زیاد ارزیابی نموده‌اند (میانگین: ۴/۰۵، انحراف معیار: ۰/۳۶). به بیان دیگر، آنان خشکسالی را به عنوان عاملی تنش‌زا قلمداد نموده‌اند و اظهار می‌کردند که سال‌های طولانی و خشک سبب شده است که فشارهای فراوانی بر آنان وارد شود. همچنین از دیگر پیامدهای این پدیده می‌توان به این

## راشد نسب و همکاران، نگرش عشایر به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و عوامل مؤثر بر آن: مورد...

جدول ۴. نگرش به پیامد اجتماعی عشایر مورد مطالعه نسبت به خشکسالی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	نگرش به پیامد اجتماعی
۲	۰/۰۸	۰/۳۶	۴/۰۵	خشکسالی باعث ایجاد فشار روانی بر من و خانواده‌ام شده است
۵	۰/۱۱	۰/۴۷	۳/۹۵	خشکسالی باعث شده که سلامتی خانواده‌ام به خطر افتد
۷	۰/۱۴	۰/۵۶	۳/۹۵	خشکسالی باعث گردیده که غذای مناسبی در اختیار نداشته باشم
۴	۰/۱۱	۰/۴۶	۳/۹۸	خشکسالی باعث گردیده که در تأمین مایحتاج زندگی‌ام در مضیقه باشم
۹	۰/۱۷	۰/۶۹	۳/۸۷	خشکسالی باعث گردیده که خانواده‌ام جا و مکان خود را ترک و دست به مهاجرت بزنم
۳	۰/۱۰	۰/۴۱	۴/۰۲	خشکسالی باعث گردیده خانواده‌های عشایری از هم متفرق گردند
۶	۰/۱۳	۰/۵۵	۳/۹۸	خشکسالی باعث گردیده است که در فعالیت‌های دسته‌جمعی عشایر (انجام مراسم، پشم چینی و سایر) مشارکت کمی داشته باشم
۱	۰/۰۴	۰/۷۱	۳/۸۰	خشکسالی باعث گردیده است که دعوا و تنش در بین عشایر افزایش یابد
۸	۰/۱۵	۰/۵۹	۳/۹۳	خشکسالی باعث گردیده که کمتر به آشنایان و نزدیکانم رسیدگی کنم
۱۰	۰/۲۵	۰/۹۴	۳/۶۳	خشکسالی باعث مقاوم شدن خانواده‌ها در مقابل سختی‌ها گردیده است
۱۲	۰/۵۰	۱/۲۳	۲/۴۴	خشکسالی باعث گردیده است که نهادها و سازمان‌ها کمک‌های بلاعوض در اختیارمان قرار دهند
۱۱	۰/۴۲	۱/۲۰	۲/۸۰	خشکسالی باعث گردیده است که مهلت پرداخت تسهیلات معوق تمدیدگردد
		۰/۶۸	۳/۷	نگرش به پیامد اجتماعی

\* دامنه میانگین‌ها بین ۱=خیلی مخالفم تا ۵=خیلی موافقم است.

### ج) نگرش عشایر نسبت به قابلیت کنترل خشکسالی

نگرش قابلیت کنترل خشکسالی توسط عشایر می‌تواند تبیین‌کننده رفتارهای مدیریتی خشکسالی آنان باشد. بیدل و رحمان (Beedell & Rehman, 2000) بر این باور است که نگرش، منعکس‌کننده عامل‌های شخصیتی فرد است. نگرش می‌تواند به-عنوان ارزیابی مثبت و یا منفی از بروز یک رفتار قلمداد شود. در نتیجه هر چه میزان این ارزیابی مثبت‌تر، فرد تمایل بیشتری به انجام آن رفتار خاص دارد. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هر چه نگرش قابلیت کنترل خشکسالی در فرد قوی‌تر باشد، به همان میزان امکان اینکه به مقابله با آن پدیده روی آورد، بیشتر است. مرور کلی بر یافته‌ها نشان داد که ۱۱۹ نفر از مجموع ۱۳۲ عشایر مورد مطالعه بر این باور بودند که در زمان وقوع خشکسالی نباید دست روی دست گذاشت بلکه باید تلاش بیشتری کرد تا بتوان خسارت ناشی از این پدیده را کاهش داد. به‌طور میانگین ۸۳ نفر از ۱۳۲ پاسخ‌دهنده اذعان داشتند هر چند خشکسالی مصلحت‌خاوندی است، راه‌های بهتری برای مقابله با خشکسالی وجود دارد که باید آنها را یاد گرفت و در مواجهه با این پدیده به‌کار بست. به‌طور کلی نتایج یافته‌ها در بُعد نگرش قابلیت کنترل

خشکسالی حاکی از آن است که عشایر مورد مطالعه بر این باورند با وجود این‌که خشکسالی پدیده‌ای تخریب‌گر و ویران‌کننده است اما با تلاش و آموزش مناسب در یادگیری راه‌های مقابله با آن می‌توان بر این پدیده فائق آمد و اثرهای منفی آن را کاهش داد. به‌بیان دیگر، نگرش آنان بر مهارپذیری این پدیده بود که به‌عنوان محرکی مناسب، راه را بر ارائه برنامه‌های مدیریتی خشکسالی هموار می‌سازد. نتایج این یافته‌ها با یافته‌های کرمی و همکاران (Karami et al., 2006) همخوانی دارد. با مرور کلی یافته‌های جدول ۵ در بُعد نگرش قابلیت کنترل مشخص گردیده است که با توجه به بدست آوردن ضریب تغییرات، عشایر بر این باور بودند که می‌توان به شیوه بهتر و با تلاشی بیشتر به مقابله با خشکسالی پرداخت. آنان ابراز می‌نمودند، اگر دولت امکانات مالی مناسب در اختیارشان قرار دهد می‌توانند به موفقیت‌های بیشتری برای مهار اثرهای ناخوشایند خشکسالی نایل آیند و بر این باور بودند که تنها در سایه حمایت دولت است که می‌توانند به مقابله اثربخش با خشکسالی پرداخت.



جدول ۵. نگرش قابلیت کنترل عشایر مورد مطالعه

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	نگرش قابلیت کنترل خشکسالی
۶	۰/۴۶	۱/۱۶	۲/۵۲	گاهی اوقات فکر می‌کنم برای مقابله با خشکسالی کوتاهی کرده‌ام
۵	۰/۴۲	۱/۱۰	۲/۵۹	فکر می‌کنم خشکسالی مصلحت خدوندی است و برای مقابله با آن دست روی دست گذاشتم
۱	۰/۱۵	۰/۶۰	۳/۸۸	معتقدم که نباید دست روی دست گذاشت و باید تلاش بیشتری کرد
۲	۰/۲۸	۰/۹۸	۳/۴۳	معتقدم که می‌توان خسارت خشکسالی را کاهش داد
۴	۰/۳۱	۱/۰۳	۳/۳۱	فکر می‌کنم راه‌های بهتری برای مقابله با خشکسالی وجود دارد که باید آن را امتحان کنم
۳	۰/۲۹	۱	۳/۳۹	می‌توان راه‌های مقابله با خشکسالی را یاد گرفت و آنها را به کار بست
۷	۰/۵۰	۱/۲۲	۲/۴۰	معتقدم که نمی‌توان اثرات خشکسالی را کاهش داد و باید آن را تحمل کرد
		۱/۰۱	۳/۰۷	نگرش قابلیت کنترل

\* دامنه میانگین‌ها بین ۱=خیلی مخالفم تا ۵=خیلی موافقم است.

#### د) همبستگی متغیر نگرش با سایر متغیرهای پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۶ نشان داده شده است، میان متغیر آگاهی نسبت به خشکسالی و نگرش آنان نسبت به این پدیده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ( $r = ۰/۳۳۹$  ;  $\text{Sig.} = ۰/۰۰۱$ ). به بیان دیگر، با افزایش سطح آگاهی افراد، نگرش نسبت به پیامدها و کنترل‌پذیری این پدیده افزایش می‌یابد و بالعکس. فزون بر آن، نتایج یافته‌ها حاکی از رابطه دو طرفه مثبت بین متغیر هنجارهای ذهنی و نگرش نسبت به خشکسالی است ( $r = ۰/۳۰۲$  ;  $\text{Sig.} = ۰/۰۰۱$ ). به عبارتی، با بالا رفتن انگیزه پیروی از دیدگاه گروه مرجع، احتمال وقوع نگرش به کنترل‌پذیری این پدیده افزایش می‌یابد. در مورد رابطه بین متغیر نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و قصد رفتاری، نتایج یافته‌ها حاکی از رابطه دو طرفه مثبت معنی‌دار میان آنها است ( $r = ۰/۲۸۶$  ;  $\text{Sig.} = ۰/۰۰۱$ ). به بیان دیگر، با افزایش نگرش افراد نسبت به مهارپذیری خشکسالی، احتمال وقوع قصد رفتاری در خصوص مدیریت خشکسالی افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین میان دسترسی به منابع اطلاعاتی و نگرش نسبت به خشکسالی رابطه دو طرفه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ( $r = ۰/۲۶۳$  ;  $\text{Sig.} = ۰/۰۰۲$ ). این بدان معنی است که با بهره‌مندی عشایر از منابع اطلاعاتی، آگاهی و شناخت آنها نسبت به این پدیده افزایش پیدا کرده است و در نهایت احتمال وقوع نگرش افراد نسبت به پیامدهای خشکسالی مثبت و این پدیده را مهارپذیر می‌داند. همچنین بین نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و سطح تحصیل سرپرست خانوار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ( $r = ۰/۱۹۸$  ;  $\text{Sig.} = ۰/۰۲$ ). یعنی با بالا رفتن سطح تحصیل سرپرست خانوار، احتمال وقوع اینکه افراد نگرش به پیامدهای اجتماعی خشکسالی افزایش بیابد و بالعکس وجود دارد. نتایج این یافته با یافته‌های یعقوبی و همکاران (Yaghoobi et al., 2016) همسو می‌باشد.

فزون بر آن، ارزیابی عشایر مورد مطالعه از اینکه خسارت‌های ناشی از خشکسالی کاهش‌پذیر است را به‌عنوان دومین گویه مهم قلمداد نمودند حاکی از این است که حمایت‌های دولت و نهادهای دولتی همراه با تشریک مساعی عشایر می‌تواند منجر به کاهش خسارت‌های ناشی از خشکسالی شود. این افراد بر این باور بودند که در صورت سرمایه‌گذاری دولت در ایجاد بندها و پروژه‌های آبخیزداری و حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، احداث منابع استخر آب، احیاء مراتع و بذریاشی و تأمین علوفه مدت‌دار و یارانه‌ای و بهره‌مند نمودن عشایر از تسهیلات ارزان قیمت از خسارت‌های ناشی از وقوع خشکسالی به‌گونه بهینه‌ای کاسته خواهد شد. همچنین سومین گویه مهمی که عشایر مورد مطالعه در حد بالایی ارزیابی نمودند، قابل یادگیری بودن شیوه‌های مقابله با خشکسالی است و عشایر بر این باور بودند که آموزش شیوه مناسبی برای ارائه راهکارهای مدیریتی نوین است. این افراد اظهار داشتند که دولت می‌تواند با برگزاری دوره‌های آموزشی شیوه‌های مؤثر مقابله با راه آنان بیاموزد تا از این راه آنان بتوانند راهکارهای مناسب را برگزیده و در دامپروری و زراعت خود به کار ببرند. نتایج این یافته‌ها در دو بُعد نگرش به پیامدهای خشکسالی و کنترل‌پذیری با یافته‌های کرمی و همکاران (Karami et al., 2006) همخوانی دارد. این در حالی است که عده‌ای از عشایر بر این باورند که راه‌های مقابله با خشکسالی آموختنی نیست. این گروه از عشایر، بیشتر افرادی بودند با سطح تحصیلات بسیار پایین که اظهار می‌داشتند خشکسالی قابل کنترل نبوده و خسارت‌های وارده از آن نیز قابل کاهش نیست و بیشتر به قضا و قدر باور داشتند. یافته‌های یعقوبی و همکاران (2016) در سنجش نگرش کشاورزان نیز مؤید این یافته می‌باشد.

## رأشد نسب و همكاران، نكرش عشائر به پيامدهای اجتماعي خشكسالي و عوامل مؤثر بر آن: مورد...

**جدول ۶. همبستگی متغیر نگرش به خشكسالي با ساير متغیرهای پژوهش**

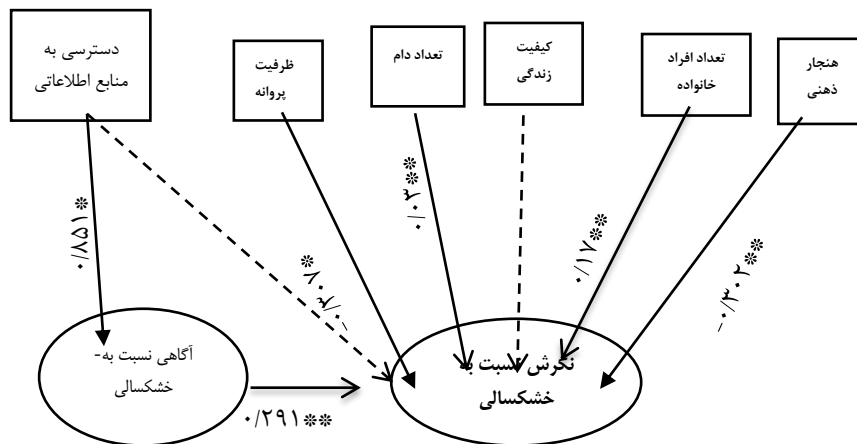
متغیر	ضریب همبستگی	معنی داری
سن (سال)	-۰/۱۴۵	۰/۰۹۶
سطح تحصیل (سال)	۰/۱۹۸*	۰/۰۲۳
آگاهی به خشكسالي	۰/۳۳۹**	۰/۰۰۰۱
هنجار ذهني	۰/۳۰۲**	۰/۰۰۰۱
دسترسى به اطلاعات	۰/۲۶۳**	۰/۰۰۲
کیفیت زندگی	-۰/۰۷۸	۰/۳۷۲
تعداد دام	۰/۰۶۵	۰/۴۵۹
سابقه دامداری	-۰/۰۳۹	۰/۶۵۵
ظرفیت پروانه	-۰/۰۵۶	۰/۵۲۶
بُعد خانوار	۰/۱۷۹*	۰/۰۳۹
تعداد افراد تحصیلکرده	-۰/۰۷۱	۰/۴۲۰

\* معنی داری در سطح ۰/۰۵ است. \*\* معنی داری در سطح ۰/۰۱ است.

### ۵) تحلیل مسیر سازه‌های مؤثر بر نگرش نسبت به خشكسالي

یافته‌های شکل ۲ و جدول ۷ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مدل، متغیر آگاهی نسبت به خشكسالي ( $\beta=۰/۲۹۱$ ) بیشترین اثر مستقیم معنی‌دار را بر نگرش عشائر نسبت به پیامدهای اجتماعي خشكسالي دارد. این یافته حاکی از آن است که رابطه علی میان آگاهی نسبت به خشكسالي با نگرش نسبت به این پدیده در بین عشائر مورد مطالعه وجود دارد. به بیان دیگر، هر چه عشائر مورد مطالعه از آگاهی بیشتری نسبت به خشكسالي برخوردار باشند، نگرش آنها نسبت به پیامدهای اجتماعي این پدیده و چگونگی کنترل آن با استفاده از تعدیل‌گرهای فنی افزایش می‌یابد. پس از آگاهی، به ترتیب ظرفیت پروانه چرا ( $\beta=-۰/۳۰۷$ ) و هنجار ذهني ( $\beta=-۰/۳۰۱$ ) بیشترین اثر مستقیم معنی‌دار و منفی بر نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعي خشكسالي را داشتند. این یافته‌ها حاکی از آن است عشائر مورد مطالعه که دارای ظرفیت پروانه چرای بیشتری هستند از نگرش منفی‌تری نسبت به پیامدها و

کنترل‌پذیری این پدیده برخوردارند. همچنین عشائری که از انگیزی پیروی بیشتری نسبت به گروه مرجع (همسایگان، دامداران نمونه و صاحبان طرح مرتعداری و ریش سفیدان) برخوردارند، نگرش منفی نسبت به پیامدهای خشكسالي و مدیریت این پدیده دارند. فزون بر آن، متغیرهای تعداد دام ( $\beta=۰/۰۳$ ) و تعداد افراد خانواده ( $\beta=۰/۱۷$ ) نیز دارای اثر مستقیم معنی‌دار بر نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعي خشكسالي بودند. این در حالی است که مطابق یافته‌های شکل ۲، متغیر دسترسى به منابع اطلاعاتی دارای بیشترین اثر غیر مستقیم معنی‌دار ( $\beta=۰/۲$ ) بر نگرش نسبت به پیامدهای خشكسالي است. به بیان دیگر، عشائر مورد مطالعه با برخورداری از وسایل دیداری، شنیداری و شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، شناخت و اطلاعات بیشتری نسبت به پدیده خشكسالي پیدا می‌نمایند که منجر به افزایش آگاهی آنان گردیده و نیز از نگرش بهتری نسبت به اثرهای اجتماعي و مهار کردن این پدیده برخوردار می‌گردند.



شکل ۲. تحلیل مسیر و عوامل مؤثر بر نگرش

جدول ۷. تجزیه اثرات متغیرها بر نگرش نسبت به پدیده خشکسالی

متغیرهای تحقیق	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر علی کل	همبستگی	اثر غیر علی
دسترسی به اطلاعات	-	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۶**	۰/۰۲
آگاهی نسبت به خشکسالی	۰/۲۹**	-	۰/۲۹	۰/۳۳**	۰/۰۴
کیفیت زندگی	-	-	-	۰/۰۷	۰/۰۷
تعداد دام	۰/۰۳**	-	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۳
تعداد افراد خانواده	۰/۱۷**	-	۰/۱۷	۰/۱۷۹*	۰/۰۰۹
ظرفیت پروانه	-۰/۳۰۷	-	-۰/۳۰۷	۰/۰۷	۰/۲
هنجار ذهنی	-۰/۳۰۲	-	-۰/۳۰۲	۰/۳۰۲**	۰

\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ \*\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

## بحث و نتیجه‌گیری

وقوع خشکسالی است. مطابق یافته‌های این پژوهش، هر چند عشایر مورد مطالعه اثرهای اجتماعی ناشی از وقوع خشکسالی را بر زندگی خود مخرب و ویرانگر دانسته‌اند، اما خشکسالی را پدیده‌ای مهارپذیر و کنترل شدنی ارزیابی نموده‌اند و در جهت مقابله با این بحران نیز در حد توان خود تلاش نموده‌اند. این یافته با یافته‌های زمانی و همکاران (2010) مطابقت دارد. آنها نیز در مطالعه خود نشان دادن برخی کشاورزان نگرش تهدیدزا به خشکسالی دارند. عشایر اذعان داشته‌اند که آمادگی پذیرش روش‌های مقابله بهتر و مناسب‌تر را نیز دارند. کسب این نتیجه به عنوان نقطه عطفی در فرایندهای طرح‌ریزی برنامه‌های مقابله به شمار می‌آید و برنامه‌ریزان و کارکنان میدانی عشایر می‌بایست در فرایندهای منتهی به رفتار مدیریتی نسبت به این پدیده به‌عنوان یک مزیت عمده توجه داشته باشند. مطالعات کشاورز و همکاران (2011) و یزدان پناه (2012) نیز

خشکسالی‌ها از مهم‌ترین بلایای طبیعی محسوب می‌شوند که علاوه بر تلفات انسانی، نسبت به سایر بلایای طبیعی، اثرهای مخرب زیست محیطی فراوانی را به دنبال دارند. بدین لحاظ جامعه عشایری که تولید، درآمد و اشتغالشان به طبیعت وابسته است، معمولاً بیشتر در معرض خسارات خشکسالی قرار می‌گیرند. مرور مطالعات در حوزه نگرش حاکمی از تأثیر هدایت‌کننده نگرش بر رفتار می‌باشد، به طوری که در نظریه عمل منطقی و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، قصدهای رفتاری را به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی رفتار مفهوم سازی کرده است (Bedard et al., 2010). چنین برداشت می‌شود که قصد از نگرش به رفتار نشأت می‌گیرد. قدر مسلم آنکه وقوع خشکسالی به‌شدت نگرش افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این بدان مفهوم است که انتخاب سازوکارهای مقابله توسط عشایر، تحت تأثیر ادراکات فردی آنان از میزان ریسک ناشی از

## راشد نسب و همکاران، نگرش عشایر به پیامدهای اجتماعی خشکسالی و عوامل مؤثر بر آن: مورد...

تیین می‌نمایند. آنچه از مطالب پیش برداشت می‌شود آن است که مجموعه در هم تنیده‌ای از سازه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و در کنار نقش مؤثر نهادهای دولتی در شکل‌گیری نگرش نسبت به خشکسالی و کاهش پیامدهای ناشی از آن اثرگذارند. بنابراین، مطابق یافته‌های این پژوهش پیشنهادها زیر جهت تغییر نگرش عشایر نسبت به خشکسالی و به‌کارگیری رفتارهای مدیریتی در مواجهه با این پدیده به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. تقویت و ارتقاء آگاهی و دانش عشایر نسبت به خشکسالی با بهره‌مند نمودن زیستگاه خانوارهای عشایری از وسایل ارتباط جمعی به-وسیله فراهم نمودن زیر ساخت‌ها و ارتقاء زمینه دسترسی به منابع اطلاعاتی.

۲. توانمند نمودن عشایر با برگزاری کلاس‌های ترویجی- فنی حرفه‌ای در راستای چند کارکردی نمودن خانوارهای عشایری و ارتقاء درآمد و کیفیت زندگی و تغییر ترکیب عامل تولید جهت مقابله با خشکسالی.

۳. بالا بردن درک و آگاهی عشایر نسبت به پدیده خشکسالی از طریق بازدید از مناطق عشایری موفق در کاهش اثرات خشکسالی و یادگیری در عمل برای مقابله با خشکسالی.

۴. تقویت روحیه‌ی مقابله‌جویی با مشارکت آنان در انجام پروژه-های سرمایه‌گذاری برای مدیریت خشکسالی در مناطق با اولویت در مناطق با پیشینه خشکسالی.

۵. خارج شدن بخش ترویج از روش سنتی (انتقال یافته از پژوهشگر به عشایر) و جایگزینی رویکرد پژوهش‌های ترویج مزرعه محور (مشارکتی و میدانی با گزینش و اجرای راهکارها توسط عشایر).

۶. اعطای تسهیلات سهل‌الوصول اعتبارات و تسهیلات بانکی متنوع، بلاعوض و کم بهره و تأمین علوفه یارانه‌ای و مدت‌دار با اولویت به عشایر دارای انواع بیمه‌ها (اجتماعی، دام، مرتع و افت درآمد در اثر از دست دادن نظام تولیدات) از سوی سازمان‌ها و نهادها به تولیدکنندگان عشایری در تغییر نگرش آنها نسبت به پیامدها این پدیده.

۷. اجاره کردن مراتع و پس‌چراهای مناسب خارج از قلمرو با اعتبارات دولتی.

۸. خرید تضمینی محصولات و تولیدات دامی عشایر.

۹. جایگزین نمودن مدیریت ریسک به‌جای مدیریت بحران در مواجهه با پدیده خشکسالی با مشارکت دادن سطوح دولت ملی و استانی و عشایر در مناطق دارای سابقه خشکسالی.

### سپاسگزاری

این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی است که از سوی اداره کل امور عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد تصویب و حمایت مالی شده است.

مؤید این یافته بودند. آنها نیز در مطالعاتی مجزا نشان دادند کشاورزان بر این باورند که خشکسالی قابل کنترل و مدیریت است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هرگاه عشایر در پی ایده‌ها و روش‌های نوین برای تغییر شرایط موجود باشند، مسئولان و برنامه‌ریزان می‌توانند ضمن انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم، بیشترین بهره‌برداری را از این موقعیت با افزایش فعالیت‌های ترویج و توسعه داشته باشند. واکاوی حاصل از تحلیل مسیر نشان داد از بین متغیرهای مدل، متغیر آگاهی نسبت به خشکسالی ( $\beta=0/291$ ) بیشترین اثر مستقیم معنی‌دار را بر نگرش عشایر نسبت به پیامدهای اجتماعی خشکسالی دارد. این یافته حاکی از آن است که رابطه علی میان آگاهی نسبت به خشکسالی با نگرش نسبت به این پدیده در بین عشایر مورد مطالعه وجود دارد. به بیان دیگر، هر چه عشایر مورد مطالعه از آگاهی بیشتری نسبت به خشکسالی برخوردار باشند نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی این پدیده و چگونگی کنترل آن با استفاده از تعدیل‌گرهای فنی افزایش می‌یابد. این یافته همسو با یافته‌های حیاتی و همکاران (2010) و یعقوبی و همکاران (2016) بود. آنها نیز نشان دادند آگاهی و دانش نقش مؤثری در تبیین نگرش و رفتار کشاورزان دارد. پس از آگاهی، به‌ترتیب ظرفیت پروانه چرا ( $\beta=-0/307$ ) و هنجار ذهنی ( $\beta=-0/301$ ) دارای بیشترین اثر مستقیم معنی‌دار و منفی بر نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی خشکسالی بودند. این یافته‌ها حاکی از آن است عشایر مورد مطالعه که دارای ظرفیت پروانه چرای بیشتری هستند از نگرش منفی‌تری نسبت به پیامدها و کنترل‌پذیری این پدیده برخوردارند. همچنین عشایری که از انگیزه پیروی بیشتری نسبت به گروه مرجع (همسایگان، دامداران نمونه و صاحبان طرح مرتعداری و ریش‌سفیدان) برخوردارند، نگرش منفی نسبت به پیامدهای خشکسالی و مدیریت این پدیده دارند. فزون بر آن، متغیرهای تعداد دام ( $\beta=0/03$ ) و تعداد افراد خانواده ( $\beta=0/17$ ) نیز دارای اثر مستقیم معنی‌دار بر نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی خشکسالی بودند. این در حالی است که مطابق یافته‌های شکل ۲، متغیر دسترسی به منابع اطلاعاتی دارای بیشترین اثر غیر مستقیم معنی‌دار ( $\beta=0/2$ ) بر نگرش نسبت به پیامدهای خشکسالی است. به بیان دیگر، عشایر مورد مطالعه با برخوردارگی از وسایل دیداری، شنیداری و شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، شناخت و اطلاعات بیشتری نسبت به پدیده خشکسالی پیدا می‌نمایند که منجر به افزایش آگاهی آنان گردیده و نیز از نگرش بهتری نسبت به اثرهای اجتماعی و مهار کردن این پدیده برخوردار می‌گردند. این یافته‌ها، با نتایج مطالعه یوسفی حاجی‌وند (۲۰۱۲)، یعقوبی و همکاران (۲۰۱۵)، کاظمی (۲۰۱۵)، بازوند و همکاران (۲۰۱۴) و میرفردی (۲۰۱۶) همسو است. از آنجا که چارچوب مفهومی برگرفته از تئوری رفتار برنامه-ریزی است، همانگونه که در تحلیل مسیر مشخص گردیده است، فزون بر متغیر هنجار ذهنی، متغیر آگاهی، ویژگی‌های فردی و کیفیت زندگی با نگرش رابطه علی وجود دارد. به‌عبارتی بخشی از نگرش را این متغیرها

## References

- Ashraf, M. and Kumar Routray, J. (2013). "Perception and understanding of drought and coping strategies of farming households in north-west Balochistan". *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 5(2), 49-60.
- Bartlett, J. E., Kotrlik, J. W., and Higgins, C. C. (2001). "Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research". *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1), 43-50.
- Bazvand, H., Amiri, H., and Azadi, H. (2004). "Investigating Environmental Behavior of Farmers in Drought Condition". 1st International Conference on Environment, The Center for Achieving Sustainable Development. [In Persian].
- Bedard, L., Deziel, J. and Lumarche, L. (2010). "Social Psychology" Translated by: Ganji, H. 2nd edition. Tehran: Savalan Publication 372 pages. [In Persian]
- Beedell, J. and Rehman, T. (2000). "Using social-psychology models to understand farmers' conservation behavior". *Journal of Rural Studies*, 16, 117-127.
- Bem, D.J. (1972). "Self- perception Theory". In I. Berkowitz(Ed). *Advances in Experimental Social Psychology*. Vol.6. Academic Press.
- Breckler, S. J. (1984). "Empirical validation of affect, behavior and cognition as distinct components of attitude". *Journal of Personality and Social Psychology*, 47, 1191-1205.
- Chaleshgar, L. (2010). "Identification of Effective Factor on Farmers' Skill and Knowledge about Drought in Central district of Eghlid, Fars", M. A. Thesis of Extension and Education Engineering, Agriculture and Natural Resources of Ramin, Ahvaz. Faculty of Agricultural and Rural Construction Engineering.[In Persian].
- Fatemi, M. and Karami, E.(2011). "The impacts and causes of drought: A case study". *Iranian Agricultural Extension And Education Journal*, 6(2), 77- 97. [In Persian]
- Fishbein, M., and Ajzen, I. (1975). "Belief, Attitude, Intention and Behavior: An Introduction to Theory and Research". USA: Addison-Wesley Publishing Company. 578 pages.
- Hassad, R.A. (2007). "Development and validation of a scale for measuring instructors' attitudes toward concept-based or reform-oriented teaching of introductory statistics in the health and behavioral sciences". Ph.D. dissertation, Faculty of the College of Health Sciences of Touro University International, California:1-209.
- Hayati, D., Yazdanpanah, M., and Karbalaee, F. (2010). "Coping with drought: The case of poor farmers of south Iran". *Psychology and Developing Societies*, 22(2), 361-383
- ISNA.(2017). Water shortage in some nomad regions of Kohgiluyeh & Boyer-Ahmad, Retrieval in: <<http://www.isna.ir/news>>. [In Persian].
- Karami, A., Keshavarz, M. and Kamgar Haghighi, A. A. & Lari, M. B. (2006). "Attitudes, Behaviors and Drought Management by Farmers". Shiraz: Farş Management and Planning organization's Publication. [In Persian].
- Karimi, Y. (2000). "Attitude and Attitude change". 7<sup>th</sup> edition. Tehran: Virayesh Institute Publication. 176 pages. [In Persian].
- (2013). "Attitude and Attitude Change". 7<sup>th</sup> edition. Tehran: Virayesh Institute Publication. 168 pages. [In Persian].
- Kazemi, N. (2015). "Investigating the Management Behaviors Against Frost: The Case of Walnut Orchardists of Komer Township". M.Sc. thesis of Agricultural Extension, Yasoj University, Yasouj. [In Persian].
- Keshavarz , M., Karami, E. and Zamani, GH.(2011). "Drought Vulnerability of Farm Households: A Case Study". *Iranian Agricultural Extension And Education Journal*, 6(2),15 - 33. [In Persian].
- Kretch, D., Crutchfield, R.S. & Ballacheg, E. L. (1995). "Individual in Society". Translated by: M. Sanaei. USA: McGraw-Hill Publication. [In Persian].
- Meteorological Organisation of Kohgiluyeh & Boyer-Ahmad(MOKB). (2015). "Extended report of meteorology of the Kolgiluyeh & Boyer-Ahmad province". Report No.16, Research group of metrology. [In Persian].
- Mirfardi, A. (2016). "The Study of Relationship of Socio-economic Status and Sense of Social Responsibility with Environmental Behavior (the Case Study: Noorabad Ma-

- masani's Residents)." *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 5(1), 105-118. [In Persian].
- National Drought Mitigation Center. (NDMC). (2003). "What is drought"? Retrieved from: <http://www.drought.uni.edu/whatis/concept.html>.
- Rahimi, D., Movhdi, S. and Barghi, H. (2010). "Assessment of Drought Severity Using Normal Perception Index (Case Study Sistan and Baluchestan Province)". *Geography and Environmental Planning Journal*, 2, 56-72. [In Persian].
- Resenberg, M. J. and Hovland, C.I. (1960). "Cognitive, Affective and Behavioral Components of Attitudes". In C. I. Hovland and Resenberg, M. J.(eds), *Attitude Organization and Change*. New Haven: Yale University press, pp. 1-14.
- Rezaian, A. (2010). "Principles of Organizational Behavior Management", 10<sup>th</sup> edition. Tehran: SAMT Publication. 495. [In Persian].
- Saadi, H. and Jalilian, S. (2017). "Sustainable Development, Analyzing of Wheat Growers' Attitudes and Perceptions". *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 5(2), 9-23. [In Persian].
- Samadi Berojeni, H. and Ebrahimi, A. (2010). "Drought Impacts and its Mitigation Approaches (In Ch & B Province)". Center of Research on Water Resources, Shahrkord University. [In Persian].
- Statistical Center of Iran. (2016). "Annual Statistical Report of Nomads of Iran". Tehran: Statistical Center Publication. PP. 751. [In Persian]
- Trafimow, D. and Sheeran, P. (1998). "Some tests of the distinction between cognitive and affective beliefs". *Journal of Experimental Social Psychology*, 34(4), 78-397.
- Van Haften, E. H. and Van De Vijver, F. J. R. (1999). "Dealing with extreme environmental degradation": Stress and marginalization of Sahel dwellers. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 34(7), 376-82.
- Yaghoobi, J., Hamidi, K. and Masum, L.(2016). "Farmers' Attitudes to Drought and Its Management (Case Study: Zanjanroud Watershed)". *Journal of Agricultural Extension and Education Research*, 2(8), 13-28. [In Persian].
- Yazdanpanah, M. (2012). "Determine of Agriculture Professionals' Norms and Attitude toward Drought Management: the Case of Bushehr province." *Modern Technology in Agriculture*, 4(2), 37-151. [In Persian].
- Yazdanpanah, M. and Monfared, N. (2013). "Inter- Related effects due to droughts for rural population: A qualitative field Study for Farmers in Iran". *International Journal of Mass Emergencies and Disasters*, 31(2), 106-129. [In Persian]
- Yousefi Hajivand, R. (2012). "Identification of Effective Factors on Knowledge, Attitude and Behavior of Rural Families about Agricultural Living Diversity in Shadgan Pond District". Thesis of Extension and Education Engineering, Agriculture and Natural Resources of Ramin, Ahvaz. [In Persian].
- Zamani, GH., Zarafshani, K. and Moradi, Kh. (2010). "Study of Psychological Coping Strategies of Fars Province Farmers In Drought". Faculty of Agriculture, Kermanshah, Iran. *Journal of Rescue & Relief*, 3, 14 - 23. [In Persian].